

طرح نو

شهرود



نگاه فرهنگی
**بومی سازی
واثر گذاری حداکثری**
سیامک انصاری

**مسابقه ملی مناظره های
دانشجویی چه اثراتی
خواهد داشت؟**
همراه با گفتاری از عباس سلیمی امین



نگاه روز

درب مدیریت آزادی



مهدی غنی
روشنفکر
تاریخ‌پویاست

وقتی چشمم به نقشه ایران می‌افتد و به کلیت جامعه خردمندان فکر می‌کنم، شگفت‌زدنه تر که فارس، کرد، لر، بلوچ، ترکمن و عرب که هر کدام زبان یا گویش خاص خودشان را دارند و آداب و رسوم و فرهنگشان با آن دیگری متفاوت است، کشور را که اکثریت مردمش مسلمانند اما مذهبشان از سایر ادیان و مذاهب دیگر نیز دارد، مسیحی، کلیسیایی، زرتشتی و... قرن‌هاست در کنار هم زندگی می‌کنند از این گذشته در میان هم‌انگاری اکثریت مسلمان نیز مذاهب مختلف تشیع، سنن و... دارم. و وقتی به‌درون این مذهب هم سری می‌زنم، کثرتی از تفکر و دیدگاه‌های گوناگون می‌بینم. از تفاوت روشنفکری و نوگرایی دینی با روحانیون سنتی بگیریم، در میان خود روحانیون به‌مرزبندی‌ها و تفاوت‌ها و تضادهای فکری و عقیدتی فراوان برمی‌خوریم. حالا اگر به‌درون خانه برخی روحانیون و مقامات راهی پیدا کنیم، با شگفتی شاهد چالش روزانه آنها با مسائل جوان درون خانه خود خواهیم بود. دارند حالا به همه اینها اضافه کنید، گرایش‌های سیاسی و جناحی را که گرایش‌هایی که در درون خود بازگشتی از چریان و گروه و دسته‌های متفاوت دارند. درون هر گروه و سازمانی سرک بکشیم، بر سر مسائل جاری و گذشته کشمکش می‌کنند.

از اختلاف طبقاتی نمی‌گویم که همه قضاوت‌ها برپایه‌ای است از گسالی که همین جامعه هرزبه روزانه سگ‌شمار از هرزبه زندگی یک خانواده پرجمعیت مسکین بیشتر است از تنش‌های خودکامی که امروزه با نگرانی‌کننده دارد، نیز یاد نمی‌کنیم.

در می‌مانی که این همه کثرت را چگونه می‌توان مدیریت کرد؟

۱- در حالی که هر یک از این دسته‌ها و گرایش‌ها خود را حق می‌پندارند، اگر قرار باشد حضور دیگری برآید و به رسمیت نشناختند و در صدد تحمل عقیده بر مخالفان برآید، تصور کنید با چه وضع اجتناب‌ناپذیری روبرو خواهیم بود. چه خون‌ریخته خواهد شد و چه منابع و سرمایه‌های این‌همه خواهد رفت. چه از این سرزمین تاریخی که قرن‌ها میزبان همه این تضادها و تفاوت‌ها بوده خواهد ماند؟

۲- به جای آن که حقیقت را در چنگ خود و خویشی‌تان و صاحب و متولیان آن بنماییم، در جستجوی آن گوییم. گوش‌ها را برای شنیدن هر ندایی تازه شناسا و دل‌ها را برای پذیرفتن سخنی نیکو نرم کنیم. اجازه گفتن به دیگری بدهیم، وظیفه شنیدن و اندیشیدن برای خود قابل‌باشیم. به جای تحریک تعصب، حتی جویی از حق شنسوی را ترویج نکریم. بدین‌حیثی اگر گمان می‌کنیم حق با ماست ولی حق را با زور نباید جست، جالب است که قرآن که از جانب خدا سخن می‌گوید از کسلی تجلیل و تقدیر می‌کند که گوش شنسوا برای شنیدن قول‌های مختلف دارند و پس از شنیدن و اندیشیدن، بهترین‌ها را نیکوترین سخن را برمی‌گزینند (بقره ۱۸). امروزه ما سخن‌پوینان این کتاب و پندگاران این‌خدا حتی تحمل شنیدن ندایی جز براه‌های ذهنی خود ندارند تا چه رسد به انتخاب کردن. به راستی اگر قدری به خود ایمان و به این توصیه‌های بسیاریم چه جامعه متناسباتی خواهیم داشت؟ اگر به جای سخن و تکلیف و طرد و انگ، مسخلفان و منتقدان خود روبرویم و اما ندگی شنیدن دلایل و منطق‌های او اعلام نمی‌کنیم چه انتفاعی می‌افتد؟

اامده در صفحه ۱۱



تاوانی برای گناه ناکرده

نگاهی به وضع زنان بی سرپرست و بدسرپرست در ایران



کسب تصویر: امیر/شهرود

با فقر فرهنگی جامعه و براهی غلط در خصوص این قشر، سرپرستی و نگهداری از کودکان در این جامعه مشکلاتی است که زنان بی سرپرست و بدسرپرست خوار در کشور ما مجبور به تحمل‌شان هستند. گزارش پیش‌رو از مسائلی است که زنان بی سرپرست در ایران با آن مواجهند. این گزارش به‌سبب آنست که در فضای مجازی می‌توانند به این امر کمک کنند و هر کس وابسته به شغلی که دارد می‌تواند زبانی را اتخاذ کرده و با نوع نگاه و بیان مناسب در صدد جذب مخاطب برای فعالان این عرصه باشد. نگاه بالا و اقتدار گرایانه خود را ترک کرده و رفتاری مناسب اتخاذ کنند. ما اکنون سال‌هاست که مشغول تمرین خودکرامی هستیم. باید گوش بدهیم و بیاموزیم. تئوری‌های خود را با واقعیت‌ها درگیر کنیم. از فرهنگ سنتی و پند و اندرز به سمت خودکرامی هستیم. کدام این‌ها را که در حال انجام شدن است. حضور اجتماعی و کنش در سپهر عمومی به دلایل گوناگون صورت نمی‌گیرد و گویی هیچ‌کس حاضر نیست برای امور مختلف وقت بگذارد و نتایج منتظر می‌ماند و اگر وقت عمل شود این شامل افرادی فرهنگ‌گرم می‌شود.

زنان بی سرپرست نشود چه آن که این امر امری محال است. اما رسیدن به سلو کار فعلی عبور از چرخ‌های اجتماعی مانند چرخ‌های مبتلا به زنان بی سرپرست و بدسرپرست، نوع توفیقی است که سیاست‌گذاران اجتماعی ایرانی می‌توانند به آن دست یابند. ناگفته نماند که دهه‌های گذشته‌های پیش از این سرپرست خوار و زنان بدسرپرست به‌دلیل نبودن نهادهای حمایتی و نبودن نهادهای آموزشی و فرهنگی در این عرصه، زنان بی سرپرست خوار و بدسرپرست را در معرض فقر و فقر فرهنگی قرار داده است. اما در حال حاضر سرپرست خوار و بدسرپرست زنان بی سرپرست خوار و بدسرپرست را در معرض فقر و فقر فرهنگی قرار داده است. اما در حال حاضر سرپرست خوار و بدسرپرست زنان بی سرپرست خوار و بدسرپرست را در معرض فقر و فقر فرهنگی قرار داده است.

زنی بی سرپرست نشود چه آن که این امر امری محال است. اما رسیدن به سلو کار فعلی عبور از چرخ‌های اجتماعی مانند چرخ‌های مبتلا به زنان بی سرپرست و بدسرپرست، نوع توفیقی است که سیاست‌گذاران اجتماعی ایرانی می‌توانند به آن دست یابند. ناگفته نماند که دهه‌های گذشته‌های پیش از این سرپرست خوار و زنان بدسرپرست به‌دلیل نبودن نهادهای حمایتی و نبودن نهادهای آموزشی و فرهنگی در این عرصه، زنان بی سرپرست خوار و بدسرپرست را در معرض فقر و فقر فرهنگی قرار داده است. اما در حال حاضر سرپرست خوار و بدسرپرست زنان بی سرپرست خوار و بدسرپرست را در معرض فقر و فقر فرهنگی قرار داده است.

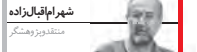
طرح نو - ایلیا مهرداد؛ بی سرپرست زنان؛ این تالیاتی است برای یک گناه ناکرده. دا چنگه چند همسری فوت، طلاق، اعتیاد، بزه‌های مجازات و! اینها و بسیاری دلایل دیگر، عواملی هستند که برای زنان بی سرپرست و بدسرپرست را به بار می‌آورد. زنان بی سرپرست اجتماعی مهم در ایران است. اگر چه تاکنون گزارش‌ها و آمارهای متعددی درباره مسأله زنان بی سرپرست و بدسرپرست در ایران منتشر شده اما این موضوع مانند همه‌فصل‌ها مشکل اجتماعی دیگر در کشور ما، چندان جای کار دارد که جامعه ما را به مرزهای عبور از آن آسیب‌برساند. موضوع این نیست که قرار باشد در یک جامعه هیچ

۲
رشد ۲۵ درصدی آمارها
رشد زنان سرپرست خوار، ۲۵ درصد پیش از حد مورد انتظار بوده و روز به روز بر تعداد زنان سرپرست خوار افزوده می‌شود. به‌طوری که در سال اخیر تعداد زنان سرپرست خوار ۲۵ درصد بیشتر از حد مورد انتظار افزایش داشته است. در سرشماری سال ۱۳۷۵، یک میلیون و ۲۵۰ هزار زن سرپرست خوار در کشور داشته‌ایم که تعداد آنها در سال ۱۳۸۵ به یک میلیون و ۶۶۱ هزار نفر رسیده است. در حالی که اگر قرار بود روند رشد آنها همان روند سال‌های

۱
دوران زن بی سرپرست
مراد مهاجر، همسران مرثی‌ها که در نظام وظیفه مشغول خدمت هستند، زنان خودسرپرست زنان سالمند تنها، دختران خودسرپرست (دختران بی سرپرستی که هرگز ازدواج نکرده‌اند)، همسران فرزندان گرفتار و سالمندی می‌شوند. زنان سرپرست خوار زنی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت به‌مرز بزرگسال سرپرستی خود راه عهده دارند و بدسرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که مسئولیت اداره اقتصادی خانواده را به دوش دارد و تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی به عهده اوست.

رهافت

گفت و گو؛ راهکار تحکیم آرامش اجتماعی



شهرام آغایه
منتقد و روشنگر

زمانی که آرامش اجتماعی صحبت می‌کنیم، باید بدانیم که برای هر حوزه‌ای بین‌رشته‌ای گذاشته‌ایم. وقتی از راهکارهای فرهنگی افزایش تحکیم آرامش اجتماعی صحبت می‌کنیم، هم به همین منوال برای بافتن راهکارهای فرهنگی افزایش آرامش اجتماعی باید ملاحظاتی داشته‌ایم. از حوزه ملاحظات فرهنگی و جامعه‌شناسی بگذریم، باید دید در جامعه از منظر جامعه‌شناسی و ملاحظات فرهنگی چه راهکاری را می‌توان جستجو کرد. اما پیش از آن که وارد چنین ادعای شویم، باید به بررسی نقش اهل فرهنگ در این راستا بپردازیم. باید به این نکته بپردازیم که نقش اهل فرهنگ در تحکیم آرامش اجتماعی چه می‌تواند باشد؟ آیا اهل فرهنگ می‌توانند تأثیرات عملیاتی داشته‌ایم؟ از آن طریق به افزایش آرامش اجتماعی کمک رسانند؟ چه می‌تواند باشد؟ تمامی این پرسش‌ها در حیطه علم است. جامعه‌شناسان و جامعه‌پژوهان است و هر دو فشارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... عامل افزایش خودتوانی است. فشارهای گوناگونی که همگام با آن دست‌وپاچه‌چشمی‌ها می‌کنند به برایشان در روابط اجتماعی، محیط کار و خانواده شده است. برای کاهش این خودتوانی‌ها، هر یک از بخش‌های اجتماع، توصیه‌های خاص دارد. برای مثال، یکی از مسائلی که روانشناسان در این حوزه توصیه می‌کنند، فکر نکردن به تنش‌ها و مشکلات است. تنش می‌آید اما مهم نوع برخورد با آن است و این که بتوان آن را مدیریت کرد. ما همواره در زمان موجود آمدن تنش‌ها همواره ساده‌ترین راه یعنی بروز خاش و عصبانیت را انتخاب می‌کنیم. افسار‌های دیگری هم وجود دارد و آن هم مدیریت کردن خود در مواقع بروز مشکل است. ما باید بدانیم برخی مشکلات و تنش‌های ما، ریشه در امور کلاسی دارد که در دست‌انیدست‌ها و این روایت‌ها به‌خاطر آنها خود را دچار مشکل سازیم و باید با زبان نرم و علمی و با حفظ خودسختی، بدون توهم و نهم این کار را انجام داد که رفتار آن هم افزایش روحیه گفت‌وگو شود. است که در سپهر عمومی ما بسیار به آن نیاز داریم. از طرفی جامعه مدنی نیز باید متفکر تر شود و برای این امر هم به شکل‌های نظام یافتنی نیاز مند است و راه حل آن هم در دست‌مادرسیم. ملاحظات و راه‌های فرهنگ و تأثیر گذاران در جامعه است.

ریشه‌های درست مسائل گمشود راه گفت‌وگو است. منتقدی، مبارزه با با خوردهای حذقی و آموزش دقیق به کودکان از جمله راه‌های مفصله با افزایش بر خاش‌گری و ایجاد آرامش است. در این صورت دیگر کودکان آرامی هم خواهیم داشت. این کار ما تنها در دراز مدت عملی خواهد شد. باید تنگناهای ذهنی شل بگیریم و راه گفت‌وگو را با هم‌رزمیم. هر کس در جامعه خود باید این تفکر را ترویج کند و اهل فرهنگ هم به نوبه خود باید به شکل‌های فضا کمک کنند. نوسنگان، شاعران، نقاش‌ها و تمامی افرادی که فعال حوزه فرهنگی به‌شمار می‌آیند، حتی با گذاشتن یک بست در فضای مجازی می‌توانند به این امر کمک کنند. هر کس وابسته به شغلی که دارد می‌تواند زبانی را اتخاذ کرده و با نوع نگاه و بیان مناسب در صدد جذب مخاطب برای فعالان این عرصه باشد. نگاه بالا و اقتدار گرایانه خود را ترک کرده و رفتاری مناسب اتخاذ کنند. ما اکنون سال‌هاست که مشغول تمرین خودکرامی هستیم. باید گوش بدهیم و بیاموزیم. تئوری‌های خود را با واقعیت‌ها درگیر کنیم. از فرهنگ سنتی و پند و اندرز به سمت خودکرامی هستیم. کدام این‌ها را که در حال انجام شدن است. حضور اجتماعی و کنش در سپهر عمومی به دلایل گوناگون صورت نمی‌گیرد و گویی هیچ‌کس حاضر نیست برای امور مختلف وقت بگذارد و نتایج منتظر می‌ماند و اگر وقت عمل شود این شامل افرادی فرهنگ‌گرم می‌شود.

